

اطلاعیه

برگزاری یازدهمین کنگره نهضت آزادی ایران

(کنگره زنده یاد مهندس مهدی بازرگان)

یازدهمین کنگره نهضت آزادی ایران با شرکت اعضا و نمایندگان آنان از تهران و شهرستان‌ها طی روزهای ۱۷ و ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۹، با موفقیت برگزار شد. کنگره یازدهم، با سخنان جناب آقای دکتر یدالله سبحانی، از اعضای موسس نهضت آزادی و پیر و مرشد جنبش روشنفکری دینی و نیروهای ملی-مذهبی ایران و عضو افتخاری و دائمی شورای مرکزی نهضت آزادی ایران افتتاح گردید.

از آخرین کنگره نهضت آزادی در مهر ماه سال ۱۳۶۸ یازده سال می‌گذرد. در طول این مدت نهضت آزادی با فشارها و سرکوب‌های مختلف روبرو بوده است. علاوه بر بازداشت و شکنجه رهبران نهضت در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹، اعضا و علاقه‌مندان به نهضت به طور دائم تحت فشار و پیگرد بوده‌اند. این فشارها به آن اندازه بوده است که تشکیل کنگره را در این مدت غیر ممکن ساخته بود. اگر چه هنوز هم فشارها علیه نهضت آزادی ادامه دارد، اما با توجه به دستاوردهای جنبش دوم خرداد و اقدامات رئیس جمهور منتخب مردم در راستای برنامه توسعه سیاسی و ضرورت تعدیل و تلطیف مناسبات سیاسی و نیاز به حفظ انسجام سازمانی، برگزاری کنگره گامی مثبت محسوب می‌گردد.

کنگره یازدهم، علاوه بر استماع گزارش شورای مرکزی و انتخاب نهادهای جدید رهبری (شورای مرکزی و هیات داور) و تبیین مواضع، بار دیگر بر اعتقاد راسخ نهضت آزادی به آرمان‌های اولیه انقلاب، وفاداری و حمایت از جمهوری اسلامی و التزام به قانون اساسی تاکید نمود.

نهضت آزادی ایران، همچنان برای تامین و تحقق همه جانبه آرمان‌های اصیل اولیه انقلاب اسلامی و حقوق و آزادی‌های مردم، که در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی تصریح شده است به فعالیت‌های خود، علیرغم فشارها و موانع، در حد توان و مقدرات ادامه خواهد داد و در این راه واقف به پشتیبانی ملت شریف ایران می‌باشد.

کنگره یازدهم ابراز امیدواری کرد، که اکثریت نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم بتوانند موانع اساسی توسعه سیاسی، به خصوص در زمینه مطبوعات، احزاب بیرون از حاکمیت، اصلاح قوه قضائیه و توسعه اقتصادی را از سر راه بردارند و ملت ایران شاهد پیشرفت‌های جدی در تامین وعده‌های داده شده جنبش اصلاح‌طلبی باشد.

کنگره یازدهم با سلام و درود به پایه‌گذاران و رهبران فقید نهضت آزادی، ضمن طلب مغفرت و علو درجات برای آنان، به پاس خدمات ارزنده شادروان مهندس مهدی بازرگان به جنبش روشنفکری دینی

ایران و آرمان‌های آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری، کنگره یازدهم را به نام کنگره زنده یاد مهندس
مهدی بازرگان نامید.

با امید به بهروزی ملت ایران
نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۷۲۳

تاریخ: ۱۳۷۹/۰۵/۰۱

قطعهنامه کنگره یازدهم

(کنگره زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان)

تیرماه ۱۳۷۹

مقدمه

پیشگفتار اول

پیشگفتار دوم

پیشگفتار سوم

تحلیل‌ها، مواضع و قطعهنامه کنگره یازدهم

۱- قوه مجریه و ریاست جمهوری

۲- سیاست تنش‌زدایی

۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- قوه قضاییه

۵- دادگاه ویژه روحانیت

۶- مجلس خبرگان رهبری

۷- مجلس ششم و اصلاحات

۸- اصلاح قانون انتخابات

۹- انتخابات شوراها

۱۰- دین و حکومت یا دین و دولت

۱۱- احزاب سیاسی

۱۲- هدف حزب، مبارزه بر سر قدرت یا حجت؟

۱۳- اقتصاد کشور

۱۳/۱- نفت

۱۳/۲- کاهش ارزش پول ملی

۱۳/۳- اقتصاد دولتی

۱۴- سنت، مدرنیته، روشنفکران و محافظه‌کاران

- ۱۵ - گفتگوی تمدن‌ها
- ۱۶ - آزادی بیان و قلم
- ۱۶/۱ - مطبوعات
- ۱۶/۲ - سازمان صدا و سیما
- ۱۷ - حوزه‌های علمیه
- ۱۸ - تحلیل وضعیت اجتماعی و مشکلات جوانان، نهادهای آموزشی و دانشگاه‌ها
- ۱۸/۱ - ساختار کنونی جامعه ایران
- ۱۸/۲ - مسایل و مشکلات مزمن نهادهای آموزشی کشور
- ۱۸/۳ - مسایل و مشکلات دانشگاه‌ها
- ۱۸/۴ - جوانان
- ۱۸/۵ - جایگاه زنان
- ۱۸/۶ - سینما
- ۱۸/۷ - ورزش
- ۱۹ - نامگذاری کنگره یازدهم به نام «کنگره زنده یاد مهندس مهدی بازرگان»

مقدمه

یازده سال از آخرین کنگره نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۶۸ می‌گذرد. در این مدت، نهضت آزادی به علت محدودیت‌های فراوان، موفق به تشکیل کنگره نشده است. در این فاصله، حوادث زیادی در جهان و منطقه رخ داده است که بر وضعیت ایران نیز اثر گذاشته و تحولات و تغییرات فراوانی در کشور و در افکار و عقاید سیاسی مردم پدید آورده است. نسل جدید و جوانی پس از پیروزی انقلاب به دنیا آمده و یا رشد کرده است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نسل نه وضعیت قبل از انقلاب را به یاد دارد و نه دوران انقلاب را.

تجربه دو دهه حکومت روحانیان و دستاوردها و ناکامی‌هایش، بی‌تردید، نه تنها بر روحیات این نسل اثرات جدی و ژرفی بر جای گذاشته، بلکه نسل‌های اول و دوم انقلاب را نیز تحت تاثیر قرار داده است. چنین فضا و زمانی ارزیابی تحولات و اتخاذ مواضع واقع‌بینانه‌تری را ایجاب می‌کند. نهضت آزادی ایران، به عنوان قدیم‌ترین جریان سیاسی روشنفکری دینی و عضوی از جبهه نیروهای ملی-مذهبی، با توجه به واقعیت‌های فعلی لازم می‌داند که مواضع خود را پیرامون مسائل و موضوعات اساسی جاری روشن و اعلام کند.

پیشگفتار اول

در این پیشگفتار لازم است که تحولات و تغییرات جهانی، و در راس آنها فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، پایان جنگ سرد، تغییرات عمده و اساسی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای سابق بلوک شرق و همگنی آنها با ساختارهای مشابه در جهان سرمایه‌داری مورد توجه قرار

گیرد. همچنین، پیامد این تحول بزرگ تاریخی در مناسبات و روابط بین‌المللی، ایجاد قطب‌های جدید قدرت سیاسی- نظامی، تسریع و تشدید فرایند جهانی شدن اقتصاد، نقش انقلاب الکترونیک و انفجار اطلاعات، پیدایش موج سوم دموکراسی باید بررسی گردد.

تغییرات گسترده در روابط و مناسبات بین‌المللی و تحول در اولویت‌های تعیین‌کننده این مناسبت‌ها آن‌چنان است که موقعیت استراتژیک کشوری مانند ایران را، بعد از ۲۰۰ سال دگرگون کرده است. منافع درازمدت و استراتژیک اروپای غربی و آسیای دور، به عنوان قطب‌های جدید قدرت، در چارچوب مناسبات اقتصادی بلندمدت، با آرمان‌های دیرینه و استراتژیک ملت ایران در زمینه‌های مردم‌سالاری، توسعه سیاسی و ایجاد ثبات برپایه تامین و تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و حاکمیت ملت، هم‌سو شده است، به گونه‌ای که شرایط جهانی بیش از هر زمان برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های راهبردی و کلان ملی مناسب و مساعد می‌باشد.

در تغییرات و تحولات منطقه‌ای، احتمال صلح اعراب و اسرائیل باید مورد بحث قرار گیرد. در صورت فراهم شدن زمینه صلحی عادلانه در خاورمیانه، بویژه میان اسرائیل و فلسطین، مناسبات سیاسی و اقتصادی میان کشورهای منطقه خاورمیانه دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد. ایران، به عنوان یک کشور استراتژیک، نمی‌تواند خود را از پیامدهای این تغییرات، در سطوح ملی و فراملی، برکنار نگه دارد.

همچنین، تغییر و تحول در مرزهای شرقی و در شمال و آسیای مرکزی از مسایل عمده‌ای است که ناگزیر باید آنها را در محاسبات سیاسی وارد ساخت.

موضوع نفت و گاز طبیعی، چه در منطقه و چه در سطح جهانی، با منافع و مصالح کلان ملی ما گره خورده است. این مساله در شکل‌گیری تحولات و حوادث کشورهای همسایه، در غرب و شرق و یا آسیای مرکزی، از جمله در مساله دریای خزر، نقش کلیدی خواهد داشت. بنابراین، لازم است که دولت ایران آن را به طور جدی پیگیری کرده، مواضع، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را به طور شفاف تدوین نماید.

پیشگفتار دوم

بررسی تحولات و رویدادهای دو دهه گذشته در جمهوری اسلامی ایران راه‌گشای فهم و درک وضعیت کنونی جامعه بوده، برای اتخاذ مواضع روشن و شفاف ضروری است. تحولات جمهوری اسلامی ایران را پس از پیروزی انقلاب می‌توان براساس ویژگی‌ها و حوادث کلیدی کلان به سه دوره مشخص زیر تقسیم کرد:

جمهوری اول، از زمان پیروزی انقلاب تا خرداد ۱۳۶۸ - رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی - در این دوره، مسایل کلیدی به شرح زیر قابل بررسی است:

الف - قبل از شروع جنگ شامل روی کار آمدن دولت موقت و شورای انقلاب (دوره انتقال)، آشوب‌های سیاسی- اجتماعی در استان‌ها، تاسیس جمهوری اسلامی، تدوین و تصویب قانون اساسی جدید (و تشکیل مجلس خبرگان)، گروگان‌گیری، استعفای دولت موقت و درگیری میان نیروهای انقلاب

ب - آغاز جنگ تحمیلی عراق با ایران، تقابل سیاسی سال ۱۳۶۰، آغاز سیطره یک جریان و سرکوب مخالفان و حذف نیروهای مخالف، آزادی گروگان‌ها و امضای بیانیه الجزایر
پ - بیرون راندن نیروهای نظامی عراق از مرزها و در نهایت، پایان بی‌نتیجه جنگ (در واقع، برقراری آتش‌بس) و باقی ماندن خون و خرابی‌های ناشی از آن برای ملت ایران

دوران جنگ را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول، از آغاز جنگ تا آزادی خرمشهر- بخش دوم، ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۳۶۷ و وضعیت ابهام‌آمیز بعد از آن. فراموش نکنیم که تا کنون هیچ قرارداد صلحی میان ایران و عراق امضا نشده است و هر تحولی در مناسبات و معادلات قدرت در منطقه می‌تواند عراق را در کنار دشمنان ایران قرار دهد. در بررسی و تحلیل وقایع این دوران می‌بایستی تاثیر جنگ، به ویژه پس از آزادسازی خرمشهر، را بر تثبیت قدرت سیاسی- اقتصادی نیروهای انحصارطلب مورد ارزیابی قرار داد.

جمهوری دوم شامل دوره‌ای است که از خرداد ۱۳۶۸ تا خرداد ۱۳۷۶ ادامه دارد. ویژگی‌های عمده این دوران، عبارتند از:

۱ - ایجاد تغییرات عمده در قانون اساسی مصوب آذر ۱۳۶۸ که شامل تغییرات ساختاری- حذف نخست‌وزیر و تمرکز قدرت در دست رئیس‌جمهور- کاهش شرایط احراز رهبری و افزایش قدرت قانونی رهبر، گنجانیدن مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی و ... می‌باشد.
۲ - اعمال سیاست‌های به اصطلاح تعدیل اقتصادی در دو دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی که منجر به افزایش چشمگیر وام‌های خارجی، تورم افسار گسیخته و تشدید اختلاف طبقاتی و رشد بی‌سابقه سرمایه‌داران جدید شد.

۳ - حرکت خزننده خط راست افراطی و انحصارطلب و جریان‌های متحجر و مخالف مردم‌سالاری و جمهوریت در درون نظام و تصاحب مراکز اصلی و عمده قدرت توسط سرمایه‌داری تجاری دلال صفت، پیدایش طبقه طاغوتیان جدید و بهره‌مندان از امکانات کلان مملکت

۴ - پیدایش آرام و تدریجی گروه‌های جدید فکری- سیاسی از میان نسل‌های اول و دوم انقلاب، که در حوادث جمهوری اول و نیز در تحولات و پیامدهای آن دوره، از جمله بروز جنگ و گروگان‌گیری، نقش کلیدی داشته‌اند و آغاز جابه‌جایی نیروهای سیاسی و تغییر آرایش این نیروها

جمهوری سوم - این دوره از دوم خرداد ۱۳۷۶ با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و گزینش آقای خاتمی آغاز شده است. باید توجه داشت که آقای خاتمی نه آفریننده این دوران، که خود محصول آن است. بررسی، تحلیل و فهم مسایل کلیدی این دوران از مهمترین و اساسی‌ترین موضوعات فراروی هر سازمان و گروه سیاسی، از جمله نهضت آزادی ایران می‌باشد. چرا و چگونه مردم با آن درصد بالا و بی‌سابقه در انتخابات شرکت کردند؟ پیام دوم خرداد چه بوده است؟ خواست عمومی برای تحقق آرمان‌های اساسی و اولیه انقلاب، یعنی آزادی و حاکمیت ملت، تا چه حد عمیق و جدی است؟ فرایند توسعه سیاسی، جنبش جامعه مدنی، جنبش دوم خرداد، به چه سمت و سویی می‌رود؟ آیا مجلس ششم قادر به ایفای تعهدات خود در برابر ملت

هست؟ آیا جریان‌های راست افراطی و محافظه‌کاران تن به قبول مقررات بازی مدنی خواهند داد یا خیر؟ تاثیر جنبش جدید اصلاح‌طلبی بر تعدیل ساختارهای قدرت و اقتدار و اختیارات نهادها تا چه حد خواهد بود؟

پیشگفتار سوم

بررسی و تحلیل مسائل و موضوعات گفته شده در بالا، از دو بعد یا دو دیدگاه ضروری است. یکی از بعد منافع و مصالح کلان ملی، فارغ از مصالح گروهی و دوم، از دید نهضت آزادی ایران. اما لازمه توفیق‌یابی در این راستا افکندن نگاهی اجمالی به سرگذشت و سرنوشت نهضت آزادی ایران در دو دهه گذشته می‌باشد. بر پایه چنین نگاهی می‌توان موقعیت کنونی نهضت آزادی را دریافت و آینده آن را، ولو به صورت کمرنگ، به تصویر کشید.

از کنگره سوم در تیرماه ۱۳۵۹ تا کنگره دهم در مهرماه ۱۳۶۸ بر سر نهضت آزادی چه آمد؟ در زمان برگزاری کنگره سوم، نهضت ۵ نماینده در مجلس داشت، روزنامه مستقل میزان دیدگاه‌های نهضت را بدون سانسور منتشر می‌کرد، دفتر سیاسی و سایر نهادها و واحدهای نهضت فعالیت‌های خود را مطابق برنامه انجام می‌دادند. نهضت آزادی آماده می‌شد تا دوران گذار از یک «محفل سیاسی» به یک «حزب سیاسی» را تجربه کند. برنامه‌های آموزشی کادرها تدوین و تنظیم گردیده بود و اجرا می‌شد. کمیته‌های مختلف، از جمله کمیته‌های تشکیلات و تعلیمات (سیاسی- عقیدتی- تشکیلاتی) فعال شده بودند. عضوگیری سامان جدیدی پیدا کرده بود. اما شرایط بیرونی روز به روز فضا را بر نهضت تنگ‌تر می‌ساخت. از آغاز دوران پس از پیروزی انقلاب، تبلیغات شدید گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی، از چپ سنتی تا انقلابیون جوان، و نیز حزب جمهوری اسلامی، فضا را برای فعالیت نهضت تیره ساخته بود. از خرداد ۱۳۶۰ به بعد، همراه با تبلیغات سیاسی، فشار و سرکوب علیه نهضت آزادی به تدریج بالا گرفت؛ حمله خشونت‌گرایان به جلسات عمومی و گردش‌های گروهی نهضت (حتی مسافرت‌های خانوادگی در نوروز و تابستان)، ربودن و ضرب و شتم سران نهضت در بهشت زهرا، بمب‌گذاری در منازل سران، بستن و تخریب دفتر و تاراج اموال و اسناد و دستگیری و زندانی کردن مسئولان درجه اول و اعضای کلیدی نهضت در سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹... از جمله این موارد می‌باشد.

نقش کلیدی نهضت آزادی در این دوره، یعنی از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳، در دفاع از دستاوردهای انقلاب، پاسداری از حقوق ملت، مبارزه با انحرافات حاکمیت، تلاش برای جلوگیری از ادامه جنگ و... نیاز به بحث و بررسی جدی جداگانه‌ای دارد.

مهمترین مساله‌ای که باید بررسی شود تاثیر استراتژی نهضت (در چارچوب مبارزه سیاسی علنی و قانونی) و مخالفت اصولی و اساسی آن با استراتژی براندازی، بر شکل‌گیری نهایی تحولات اخیر و جنبش اصلاح‌طلبی است. زمانی نهضت آزادی یکه و تنها بر «ضرورت توسعه سیاسی و اولویت آن بر توسعه اقتصادی» پافشاری می‌کرد، ولی به تدریج در انتخابات خرداد ۷۶، موضع بسیاری از گروه‌های سیاسی و آقای خاتمی در همین راستا یعنی اولویت دادن به توسعه سیاسی، قانون‌مداری و اجرای تمام و کمال کلیه اصول مصرح در قانون اساسی شکل گرفت.

سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ دوران بسیار سختی برای نهضت آزادی بود و نهضت تا مرز تعطیل رانده شد،

اما به رغم تمام فشارها، نه تسلیم شد و نه تن به تعطیل داد.
در آستانه انتخابات مجلس پنجم، تغییر ریشه‌ای در خط‌مشی نهضت آزادی پدید آمد که منجر به شرکت فعال آن در انتخابات شد. فرایند این جمع‌بندی که شورای مرکزی در نیمه دوم سال ۱۳۷۴ به آن رسید، خود نیاز به بررسی و تحلیل جداگانه‌ای دارد.

در دی ماه ۱۳۷۳، نهضت آزادی بنیانگذار و دبیرکل خود را از دست داد. درگذشت مهندس بازرگان چه اثرهایی بر جامعه به جای گذاشت و چرا برخلاف تصور و یا امید برخی از افراد، نبود مهندس بازرگان موجب تعطیل نهضت آزادی نشد؟ فعالیت‌های نهضت آزادی در طول سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ (زمان برگزاری کنگره یازدهم)، نشان می‌دهد که نهضت آزادی نه تنها متوقف و تعطیل نشد، بلکه در سطح ملی و فرا ملی، موقعیت و اعتبار تازه‌ای پیدا کرده است. اما با وجود موفقیت‌های بیرونی، نمی‌توانیم از توجه به عدم دستیابی به موفقیت‌های مطلوب و آرمانی در درون خود صرف‌نظر کنیم. چرا که در این صورت، تلاشی برای یافتن علل آن و تکاپویی برای خروج از وضعیت نامطلوب درونی نیز صورت نخواهد گرفت.
بی‌تردید، فشارهای مستمر ۱۶ ساله گذشته بر نهضت آزادی رکود درونی ناخواسته‌ای را بر این سازمان تحمیل کرده است. اما چشم بستن بر موانع داخلی به همان اندازه نادرست است که اثرات ویرانگر فشارهای مستمر بیرونی نادیده گرفته شود.

نهضت آزادی ایران برای تداوم سالم و طبیعی حیات سیاسی خود، و در نتیجه، فراهم کردن امکانات و توانمندی لازم برای ایفای بهینه وظیفه‌ای که بر دوش خود احساس می‌کند. نیازمند بررسی دقیق این مساله و یافتن راه‌کارهای مناسب می‌باشد. این امر هم اکنون در دستور کار نهضت آزادی قرار گرفته است.

با توجه به پیشگفتارهای سه‌گانه بالا، کنگره یازدهم تحلیل‌ها، مواضع و قطعنامه خود را به شرح زیر اعلام می‌کند:

اول - در کنگره‌های سوم تا دهم، موضوعات و سرفصل‌های سی و سه‌گانه زیر تدوین و تصویب شده است و کنگره یازدهم نیازی به طرح مجدد آنها نمی‌بیند.

- ۱- آزادی
- ۲- حاکمیت ملت
- ۳- قانون اساسی
- ۴- امر به معروف و نهی از منکر
- ۵- حقوق بشر
- ۶- نظام جمهوری اسلامی
- ۷- اسلام فقه‌ای
- ۸- محدود کردن دین در فقه
- ۹- اختیار و انتخاب
- ۱۰- جامعه بسته

- ۱۱- جامعه باز
- ۱۲- جنگ
- ۱۳- دولت
- ۱۴- مدیریت نظام
- ۱۵- استقلال و تمامیت ارضی کشور
- ۱۶- آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و تعلیم و تربیت
- ۱۷- سیاست خارجی - تنش‌زدایی
- ۱۸- تروریسم
- ۱۹- روحانیت
- ۲۰- مکتب و معتقدات مردم
- ۲۱- حقوق مردم و امنیت قضایی
- ۲۲- ولایت فقیه
- ۲۳- رهبری
- ۲۴- انتخابات
- ۲۵- مجلس
- ۲۶- قوه قضاییه
- ۲۷- حقوق زنان
- ۲۸- تامین نیازهای مادی و معیشتی در بعد ملی
- ۲۹- اقتصاد
- ۳۰- بهداشت و درمان
- ۳۱- احزاب سیاسی
- ۳۲- آگاهی و خودآگاهی
- ۳۳- بازسازی و سازندگی
- ۲۳- رهبری
- ۲۴- انتخابات
- ۲۵- مجلس
- ۲۶- قوه قضاییه
- ۲۷- حقوق زنان
- ۲۸- تامین نیازهای مادی و معیشتی در بعد ملی
- ۲۹- اقتصاد
- ۳۰- بهداشت و درمان
- ۳۱- احزاب سیاسی
- ۳۲- آگاهی و خودآگاهی

۳۳- بازسازی و سازندگی

شرح تفصیلی این مواضع در جزوه جداگانه‌ای آمده است.

دوم - کنگره یازدهم، افزون بر موارد یاد شده و در راستای تکمیل قطعنامه‌های گذشته، تبیین مواضع نهضت را در موارد زیر ضروری می‌داند:

۱- قوه مجریه و ریاست جمهوری

مردم در انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۷۶، اولاً به برنامه توسعه سیاسی اعلام شده توسط آقای خاتمی رای دادند، ثانیاً آرای سنگین آنها به منزله رای عدم اعتماد به حاکمیت دو دهه اخیر، به خصوص جریان راست افراطی و محافظه‌کاران و انحصارطلبان بود.

با توجه به پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس ششم، یکی از انتظارات مردم این است که آقای خاتمی همکاران جدیدی انتخاب و معرفی کنند، زیرا بیشتر وزیران کنونی کسانی هستند که در ۲۰ سال گذشته مصدر امور بوده‌اند و بنابراین، به طور مستقیم یا غیرمستقیم مسئول نابسامانی‌های کنونی می‌باشند. حضور آنان در دولت عموماً تناسبی با برنامه‌های اعلام شده رئیس جمهور ندارد.

انتظار دوم این است که دولت به موازات پیگیری برنامه‌های توسعه سیاسی، اقداماتی جدی و بنیادی برای کاهش فشار اقتصادی انجام دهد. از جمله می‌توان به ضرورت حمایت از صنایع داخلی و تولید در سطح کلان، اجرای جدی طرح شایسته‌سالاری در وزارتخانه‌ها و ادارات و دعوت از افراد متخصص و خیره در زمینه‌های اقتصاد و صنعت برای سیاست‌گذاری در این امور اشاره کرد.

علاوه بر مشکل ناکارایی و ناهماهنگی برخی از وزیران با برنامه ارایه شده توسط آقای خاتمی، مقابله با بحران آفرینی‌های مخالفان توسعه سیاسی و اصلاحات در سه سال گذشته - که بخش قابل ملاحظه‌ای از ظرفیت و توان مدیریت و امکانات کشور را به خود اختصاص داده است - عامل مهم و تعیین کننده در تاخیر اجرای برنامه‌های توسعه سیاسی و اصلاحات اقتصادی دولت بوده است. در زمینه رفع تنگناهای معیشتی مردم، آقای خاتمی به حق برنامه توسعه سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند تا با شفاف شدن گردش اقتصادی کشور و حذف رانت‌خواری، اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و محرومیت‌زدایی امکان‌پذیر گردد.

یکی از چالش‌های برنامه توسعه سیاسی تقابل حقوق اساسی ملت یعنی آزادی، مردم‌سالاری و حاکمیت ملت، با آمریت فراقانونی ولایت فقیه است که در مواردی در برابر رای و تشخیص اکثریت مردم یا نمایندگان آنها قرار می‌گیرد و موجب کندی جریان اصلاحات و کارهای دولت و مجلس می‌شود. ضرورت دارد که آقای خاتمی با توجه به سوگندی که یاد کرده و بر اساس آن در پیشگاه خدا و ملت نسبت به اجرای برنامه‌های موعود متعهد شده است، موانع اصلی اجرای تعهد خود را به صورت صریح و شفاف با مردم در میان بگذارد تا راهکارهای قانونی برای خروج از بن‌بست کنونی توسط خیرخواهان و آگاهان جامعه اندیشیده شود.

۲- سیاست تنش‌زدایی

کنگره یازدهم با تایید مبانی و اصول سیاست خارجی ایران - که در قطعنامه کنگره‌های چهارم، پنجم، ششم و هشتم به تفصیل آمده است- سیاست تنش‌زدایی دولت آقای خاتمی در روابط خارجی را تایید و آن را در راستای تامین منافع ملی ارزیابی می‌کند. در مورد کاهش تنش میان ایران و آمریکا نیز، تماس و مذاکره رسمی و علنی برای حل اختلافات و روشن کردن تکلیف مطالبات ایران را ضروری دانسته، مذاکرات غیررسمی و ادامه سیاست پنهان‌کاری و توافق‌های غیرشفاف را به سود ملت ایران نمی‌داند.

کنگره سیاست‌های دولت آقای خاتمی در رابطه با اروپا (به ویژه با آلمان، فرانسه و ایتالیا) و کشورهای عربی منطقه، (به خصوص عربستان سعودی، مصر و کشورهای حوزه خلیج فارس)، آسیای دور را موفقیت‌آمیز دانسته، آنها را تایید می‌کند و معتقد است که پیشگامی آقای خاتمی در زمینه مفاهیم جهانی و گفتگو - به رغم دسیسه‌های مکرر داخلی و تلاشی که انحصارطلبان در خلاصه کردن همه ناکامی‌ها در وجود «دشمن» و تهاجم فرهنگی آن دارند- برای دولت و ملت ایران در عرصه بین‌المللی وجهه و آبرو کسب کرده است.

۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام

این نهاد که در زمان بنیانگذار جمهوری اسلامی به منظور رفع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، به طور مقطعی و موقت تشکیل شده بود، پس از فوت ایشان در بازنگری قانون اساسی، در سال ۱۳۶۸، جنبه قانونی و دایم یافت. نهضت آزادی ایران، که تشخیص مصلحت نظام و کشور را در صلاحیت نمایندگان واقعی ملت دانسته، هیچ مصلحتی را بالاتر از تمکین همه نهادهای نظام به قانون اساسی نمی‌شناسد، مطالعات و تحقیقات غیر ضروری با هزینه‌های گزاف را، که اکثراً به موازات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های موجود انجام می‌یابد، نامفید می‌داند و از مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌خواهد که در چارچوب وظایف قانونی خود عمل کند. به علاوه، نهضت آزادی معتقد است که این مجمع تنها در صورتی می‌تواند به فعالیت مفید بپردازد که اعضای آن امنای ملت با تخصص‌ها و تجارب لازم در زمینه‌های مورد نیاز باشند، نه این که با توجه به مصلحت قدرت و به سود جناح‌بندی‌های سیاسی خاص، به شکلی یکسویه عمل کنند.

۴- قوه قضاییه

دستگاه دادگستری که باید پناهگاه و پشتیبان مطمئن مظلومان باشد، متأسفانه در سالیان گذشته، به ویژه چند سال اخیر، با جانبداری از جناح موسوم به راست، استقلال خود را تا حدود زیادی از دست داده است. اجرای طرح نسنجیده انحلال دادسراها و اجرای قانون دادگاه‌های عام از یک سو، و سلطه یک جانبه جریان‌های افراطی و سیاسی‌کاری بر دادگاه‌ها از سوی دیگر، و نیز تشکیل شعبه‌هایی که به جای اجرای قانون اساسی مجری اوامر صادره هستند، موجب سلب اعتماد اکثریت مردم از این قوه گردیده است. به رغم این که رئیس جدید قوه قضاییه، با ویرانه شمردن این نهاد، امید اصلاحاتی را در مردم زنده کرد، هنوز هیچ نشانه‌ای از تغییر و بهبود اساسی در آن مشاهده نمی‌شود. عملکرد چند ماهه گذشته این قوه به مراتب بدتر و جانبدارانه‌تر از کار کرد آن در دوره گذشته بوده و مختصر امیدواری برای بهبود کیفی این

ویرانه را از میان برده است.

رفتار دادگاه‌های عام و انقلاب، به خصوص در ماه‌های اخیر، با دستگیری‌های گسترده شخصیت‌های دلسوز و خدمتگزار، برخوردهای جانبدارانه سیاسی با مطبوعات اصلاح‌طلب و توقیف جمعی آنان و دستگیری صاحب‌نظران به خاطر ابراز عقیده، نمونه‌هایی از وخامت بحران در قوه قضاییه است. در سطوح پایین‌تر نیز، متأسفانه رواج نسبی رشوه‌خواری چهره عدالت را در این قوه مخدوش ساخته است. پیگیری عادلانه و قاطعانه مسائلی از قبیل قتل‌های زنجیره‌ای، حوادث دانشگاه‌ها و بحران آفرینی‌های گسترده گروه‌های فشار از حداقل‌های مورد انتظار مردم از قوه قضاییه می‌باشد.

۵- دادگاه ویژه روحانیت

تاسیس این دادگاه، که نمونه آشکاری از تبعیض و تمایز است، خلاف قانون می‌باشد. قانون اساسی تنها یک دادگاه ویژه مربوط به نیروهای مسلح را، آن هم به عنوان بخشی از قوه قضاییه و نه بیرون و مستقل از آن، پذیرفته است. آنچه به نام مقررات این دادگاه تهیه شده است نیز، خلاف رویه قانونی و فاقد اعتبار قانونی می‌باشد.

عملکرد این دادگاه، که در مواردی آشکارا به تفتیش عقاید می‌پردازد و در اموری نقش سرکوب‌کننده روحانیان آزاده و مستقل را یافته است، حاکی از نادیده گرفتن و پامال شدن مکرر اصول قانون اساسی می‌باشد.

البته طبق قانون اساسی تعیین رئیس قوه قضاییه جزء اختیارات رهبری است، اما مدیر و مدبر بودن ایجاب می‌کند که هر نظر و اقدامی در مورد امور قضایی و مسایل مربوط به این قوه تنها از طریق رئیس قوه و نه از بالای سر و یا به موازات آن اعلام یا اعمال شود.

۶- مجلس خبرگان رهبری

این مجلس، که مهمترین وظیفه‌اش طبق قانون اساسی نظارت بر عملکرد مقام رهبری است، در هیچ زمانی نه مشروح مذاکرات خود را منتشر ساخته و نه گزارشی از عملکرد خود به ملت ارائه کرده است. مردم حق دارند بدانند که این مجلس تا کنون چه عملی در راستای وظایف قانونی خود، جز انتخاب رهبر، انجام داده است.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که اختیارات مقام رهبری در قانون اساسی مشخص و محدود شده است و اقدامات فراقانونی فاقد اعتبار و موجب خدشه‌دار شدن موقعیت مقام رهبری می‌باشد. ایجاد مدیریت‌های موازی نهادهای اجرایی دولت، علاوه بر ایجاد اختلال در نظام مدیریتی کشور، از عوامل بحران‌خیز در این نهادها است. مشکلاتی که ناهماهنگی نمایندگان رهبری در بسیاری از استان‌ها با استاندارها و مدیران دولتی به وجود آورده است، مصادیقی از آثار این دوگانگی‌ها می‌باشد.

اگر در آغاز دوران پس از پیروزی انقلاب، وجود نمایندگی‌ها، نهادها و بنیادهای مستقل از دولت می‌توانست توجیهی داشته باشد، پس از گذشت ۲۰ سال از آن زمان و استقرار و تثبیت جمهوری اسلامی، ادامه حیات و فعالیت این نهادها هیچ توجیه منطقی ندارد و آنها باید منحل شوند یا بر حسب ضرورت در

دستگاه‌های رسمی ادغام گردند.

۷- مجلس ششم و اصلاحات

مجلس ششم، برغم رد گسترده و خلاف قانون صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان، سرانجام توانست با خواست و اراده مردم به موقع تشکیل شود و برای نخستین بار پس از سلطه طولانی تمامت‌خواهان، بخشی از گروه‌های اصلاح‌طلب توانستند وارد مجلس شوند. مجلس ششم مجلس اصلاحات و دنباله طبیعی حرکت دوم خرداد به شمار می‌آید. اصلاحاتی که مجلس ششم باید پیگیر آن باشد، اساساً اصلاحات سیاسی است. تا زمانی که فضای سیاسی جامعه برای رشد و فعالیت مساعد نگردد و زمینه‌های عینی مشارکت مردم فراهم نشود، هر نوع حرکت اصلاحی برای بهبود وضع نابسامان اقتصادی و رفع تنگناهای معیشتی مردم بی‌اثر یا بسیار کم‌اثر خواهد بود. اصلاح‌طلبان مجلس ششم باید با توکل بر خداوند حی و قیوم و تکیه بر حمایت‌های مردمی، در برابر مقاومت‌ها و مخالفت‌هایی که در برابر اصلاحات صورت می‌گیرد، استوار بمانند و ذره‌ای از ایفای وظیفه نمایندگی کوتاهی نکنند.

مجلس ششم، به اعتبار آرای مردم، همچنان در راس امور است و می‌باید در چارچوب وظایف قانونی خود، موانع موجود در راه تحقق مردم‌سالاری، آزادی‌های اساسی ملت و فعالیت بهینه احزاب سیاسی را از میان بردارد و برای اصلاح قوه قضاییه و ترمیم این ویرانه، به طور جدی و موثر اقدام نماید. مردم از مجلس اصلاحات انتظار دارند که به آرزوهای دیرینه آنان جامعه عمل بپوشاند و با استقرار مردم‌سالاری و توسعه سیاسی، تقویت احزاب، شوراهای و نهادهای مدنی دیگر و محدود کردن نظارت استصوابی زمینه را برای رفع کمبودها و جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی فراهم سازد.

۸- اصلاح قانون انتخابات

قانون انتخابات باید در دو محور اصلاح شود؛ اول لغو نظارت استصوابی و محدود کردن حدود نظارت شورای نگهبان، دوم فراهم ساختن زمینه انتخابات حزبی. عملکرد شورای نگهبان، به بهانه نظارت استصوابی، نقض آشکار حق حاکمیت ملت، (به تصریح قانون اساسی) می‌باشد. فارغ از این که نظارت استصوابی شورای نگهبان جایگاهی در قانون اساسی ندارد، عملکرد شورای یاد شده در چند دوره انتخابات، نمایانگر تخلف آشکار از قانون انتخابات بوده است. شایسته است که مجلس ششم حل این مشکل را در برنامه‌های اساسی خود قرار دهد. مساله دیگر اصلاح قانون انتخابات به گونه‌ای است که انتخابات به صورت حزبی صورت گیرد. بدین معنا که نامزدها از سوی احزاب و سازمان‌های سیاسی قانونی معرفی و پشتیبانی شوند و این نهادهای سیاسی نسبت به عملکرد منتخبان وابسته به خود مسوول باشند.

۹- انتخابات شوراها

برگزاری انتخابات شوراها شهر و روستا از اقدامات مثبت و کلیدی دولت آقای خاتمی و گامی بسیار اساسی در نهادینه کردن مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش محسوب می‌شود. نهضت آزادی ایران با جدیت از این اقدام دولت حمایت کرده است و خواهد کرد.

شوراهای شهر، عموماً به ویژه در شهرهای بزرگ، در اولین تجربه خود با مسایل و مشکلات زیادی روبرو هستند که این امر با توجه به فقدان تجربه گذار از مدیریت متمرکز به مدیریت جمعی متکی به آرای مردم کاملاً طبیعی است. مدیریت جمعی و شورایی یاد گرفتنی است و بنابراین، نیاز به آموزش، تجربه و زمان دارد. نهضت آزادی ایران به مسئولان مربوط در وزارت کشور، و نیز به اعضای شوراهای اسلامی و شهرداری‌های شهرهای بزرگ توصیه می‌کند که از طریق بررسی‌های کارشناسانه و ارزیابی عملکرد خود و استفاده از تجربه‌های سایر کشورها، به ویژه کشورهایی با شرایط مشابه ایران، وظایف و مسئولیت‌های شورای شهر و مدیریت اجرایی شهرها را با تاکید بر اصل حاکمیت و مشارکت مردم در اداره شهرها تبیین و اصلاحات لازم در قانون شوراها را به وزارت کشور پیشنهاد نمایند. تعداد و خصوصیات افراد واجد شرایط برای ایفای وظایف خاص شوراهای شهر از مهمترین نکاتی است که در این بررسی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد تا در دوره‌های بعدی، شوراها به تدریج در جایگاه واقعی خود قرار گیرند و مردم در اداره شهرها حاکمیت و مشارکت موثر پیدا کنند و کارها عملاً به دست خود آنان سپرده شود.

به طور کلی، برای تقویت بنیادهای مردم‌سالاری و پذیرش حقوق اقلیت‌های سیاسی، انتخابات نهادهای مدنی باید به صورت حزبی برگزار شود و هر حزبی به تناسب آرای مردمی، در کارها و مسوولیت‌ها مشارکت داشته باشد.

انتخابات حزبی، اولاً مشکل تایید یا رد صلاحیت نامزدها را حل می‌کند. زیرا احزاب، به خصوص احزابی که سابقه و اعتبار مردمی دارند، در معرفی کاندیدها ضوابط و معیارها را رعایت می‌کنند. ثانیاً حزبی بودن نمایندگان میزان بازدهی را بسیار بالا می‌برد و تذبذب برخی از نمایندگان منفرد و غیرحزبی را کاهش می‌دهد. ثالثاً احزاب در انتخابات برنامه‌ارایه می‌کنند و مردم با توجه به برنامه‌ها به نامزدهای احزاب رای می‌دهند. این امر می‌تواند در روند برنامه‌ریزی کل کشور بسیار موثر واقع گردد.

۱۰- دین و حکومت یا دین و دولت

تجربه ناموفق دو دهه حکومت روحانیان به نام دین، بحث‌های جدی و جدال‌برانگیزی را در این ارتباط در جامعه، به خصوص در محافل روشنفکری دینی، دامن زده است. از آنجا که لازمه دموکراسی حضور مردم در صحنه اجتماع است، دخالت دینداران در تعیین سرنوشت سیاسی خود، در کشوری که ۹۷ درصد جمعیت آن مسلمان است، عملاً و در فرایندی طبیعی به نوعی اثرپذیری سیاست از دین منجر می‌شود. به عبارت دیگر، نهضت آزادی ایران اعتقاد دارد که حکومت در هر شکل و با هر نگرش، مقبولیت خود را از رای مردم می‌گیرد و تنها در این صورت است که می‌تواند خود را در برابر مردم پاسخگو بداند. از سوی دیگر، در هر جامعه دیندار، اعتقادات دینی مردم به طور طبیعی و دموکراتیک در اداره جامعه اثر می‌گذارد. بنابراین، لازم است که دیانت - که در کنار ملیت، از ارکان اصلی فرهنگ ما می‌باشد- جایگاه مناسب خود را در قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و قرارداد اجتماعی پیدا کند. در یک جامعه دینی، نقش کارشناسی تعداد معینی از عالمان دین، به عنوان فقهای شورای نگهبان، در تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرعی، مشروط بر آن که خارج از مصلحت‌های جناحی عمل نمایند، و حقوق ویژه‌ای را

برای دخالت‌های عملی به وجود نیآورد، می‌تواند قابل توجیه و مورد قبول مردم باشد. در هر حال، به دلیل کثرت برداشت‌ها یا قرائت‌های اعتقادی در بسیاری از مقولات دینی، دولت باید در مجادلات و مباحثات میان صاحبان دریافت‌های مختلف دینی بی‌طرف باشد و تنها در چارچوب منافع ملی و اجرای قوانین ایفای نقش کند. علاوه بر آن، با توجه به اصل «لا اکراه فی الدین»، قرائت‌های مخالف آزادی و اختیار و مردم‌سالاری از دین فاقد اعتبار شرعی می‌باشد.

۱۱- احزاب سیاسی

تثبیت و نهادینه شدن رکن جمهوریت در نظام سیاسی کشور تنها با بودن احزاب سیاسی و گسترش فرهنگ حزب امکان‌پذیر است.

احزاب سیاسی نقش سازمان‌دهی نیروهای توده‌وار، هماهنگ کردن مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم و پیگیری قانونمند آنها را دارند. احزاب سیاسی روند سیاسی جامعه را شکل می‌دهند و بر تحولات سیاسی، به طور سازمان یافته اثر می‌گذارند؛ علاوه بر آن، با جذب نیروهای متخصص و کاردان، می‌توانند یاور و مشاور دولت باشند.

احزاب سیاسی مخالف، که با التزام به قانون اساسی، به نقد سیاست‌ها و عملکردهای حاکمیت در سطح علنی و عمومی می‌پردازند، در فرایند اصلاح نواقص، کمبودها، کم‌کاری‌ها و ندانم‌کاری‌ها و در نتیجه در ایجاد ثبات سیاسی جامعه نقش کلیدی ایفا می‌کنند. بنابراین، حضور و فعالیت آزاد آنها در چارچوب قانون ضروری است.

به عنوان مثال، پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، تمایل و گرایش مردم به گروه‌ها و احزاب سیاسی اصلاح‌طلب گسترش یافته است. در انتخابات مجلس ششم نیز مردم اکثراً به نامزدهای احزاب سیاسی اصلاح‌طلب رای دادند.

رشد گرایش به حزب در میان مردم کاملاً محسوس است. بنابراین، احزاب سیاسی، با صرف‌نظر از اختلافات موجود باید اقدامات صنفی و تبلیغاتی مشترکی را برای ارتقای گرایش به احزاب در میان مردم انجام دهند. نهضت آزادی ایران روابط خود را با احزاب اصلاح‌طلب، به ویژه در جهت ائتلاف تشکل‌های ملی-مذهبی و فعال شدن آنان، ادامه می‌دهد، در عین حال، به عنوان یک حزب سیاسی وظیفه دارد که از راه‌های مشروع سیاسی (مانند شرکت در انتخابات) در جهت تقویت پایگاه اجتماعی خود و کسب اقتدار سیاسی، برای اقامه ارزش‌های آرمانی تلاش کند.

۱۲- هدف حزب، مبارزه بر سر قدرت یا حجت؟

نهضت آزادی ایران هدف و برنامه اصلی خود را سازماندهی نیروهای مردمی، آموزش افراد همفکر و همگام و تلاش جمعی برای تحقق آرمان‌ها و اندیشه‌های حزب، رفع موانع رشد و پیشرفت در جامعه، اثرگذاری بر روند سیاسی و جلب مشارکت همگان در کلیه فعالیت‌های اجتماعی، از جمله شرکت در انتخابات ادواری، می‌داند.

برنامه اصلی نهضت آزادی، دعوت مردم به آنچه موجب رشد و شکوفایی و تعالی جامعه می‌شود، از

طریق آگاهی دادن به مردم درباره ارزش‌ها و ضد ارزش‌هاست ۱۰ به بیان دیگر، نهضت آزادی ایران وظیفه خود را در راستای برنامه پیامبران و مصلحان، ارتقای سطح دانش و شناخت مردم می‌داند تا آنان با رشد و آگاهی و ایجاد تحول، در راستای تامین قسط و عدالت اجتماعی قیام کنند ۲۰

نهضت آزادی ایران کسب قدرت، حتی با داعیه حوقل‌طلبی و خدمت به مردم را از طرق نامشروع سیاسی مردود شمرده، محصول آن را سلطه گروهی و سلب آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم می‌داند ۳۰ تجربه دو دهه تحولات بعد از پیروزی انقلاب نیز این واقعیت‌ها را به خوبی روشن می‌کند ۰

در همین راستا، شادروان مهندس بازرگان به دفعات در گفتارها و نوشتارهای خود تاکید می‌کرد که «جنگ ما با حاکمیت جنگ حجت است، نه قدرت» ۰ منظور از این سخن نپذیرفتن مسوولیت برای خدمت به مردم نیست ۰ بلکه نفی قدرت برای حکومت بر دیگران (به قیمت زیر پا گذاردن ارزش‌های بنیادین) می‌باشد ۰

نهضت آزادی ایران قدرت سیاسی یک حزب را در نفوذ سیاسی آن در میان مردم و میزان بهره‌مندی از حمایت‌های مردمی می‌داند ۰ این اقتدار را نباید با قدرت در حاکمیت یکسان و هم‌تراز دانست ۰ درجه اثرگذاری مثبت احزاب سیاسی بر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه به اقتدار یا قدرت سیاسی آنان - با تعریف فوق - بستگی دارد ۰

۱۳- اقتصاد کشور

از عمده‌ترین بحران‌های سال‌های اخیر بحران اقتصادی است که هر روز بر وخامت و پیچیدگی آن افزوده می‌شود و اکثریت عظیم مردم شریف و صبور ایران پیامدها و سختی‌های آن را با پوست و گوشت و استخوان خود لمس می‌کنند ۰

افزایش سریع جمعیت بعد از انقلاب، هشت سال جنگ خانمانسوز، تلاطم ساختار اقتصادی و مراکز تولیدی، به همراه سوء مدیریت بسیاری از مدیران دولتی، سرمایه‌گذاری بی‌رویه در صنایع فاقد توان رقابت در بازارهای خارجی عدم ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، دخالت نهادهای رسمی دولتی در فعالیت‌های اقتصادی، عدم پاسخگویی دولت در امور مالی کشور، فساد شدید اداری و نوسانات شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی در سال‌های قبل از ۱۳۷۸ از جمله عواملی بوده‌اند که اقتصاد کشور را با بحران و نابسامانی روبرو ساخته‌اند ۰

آمار نگران‌کننده بیکاری، به خصوص در مورد نسل جوان و تحصیل کرده کشور، تنگی معیشت شهروندان، اختلاف شدید طبقاتی، تورم مستمر همراه با رکود اقتصادی، مهاجرت روستاییان به شهرها، فرار مغزها به خارج کشور و سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش‌های کشاورزی و صنعت، نمایانگر وضعیت اسفانگیز اقتصادی کشور می‌باشد که فکر هر ایرانی دلسوز و صاحب اندیشه‌ای را به خود مشغول داشته است ۰

۱ و لکن منکم امه يدعون الی الخیر یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر (آل عمران - ۱۰۴)

۲ لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و ارسلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (حدید - ۲۵)

۳ تلك الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لافسادا و العاقبه للمتقین (قصص ۸۳)

پیامد چنین روندی افت سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه‌های مولد از کشور، کاهش تولید و گسترش بازار دلالی و واسطه‌گری است.

بر اساس آمار سال‌های اخیر کشور، از مجموع سرمایه فعال در اقتصاد فقط ۱۳/۵ درصد در بخش صنعت و معادل ۶۳/۸ درصد در بخش خدمات به کار گرفته شده است. به عبارتی دیگر، سرمایه‌ها به بخش تجارت و واسطه‌گری - که مدت سرمایه‌گذاری و بازگشت آن کوتاه و سود آن بسیار است - سوق داده شده و گروهی اندک در کشور با بهره‌گیری از رانت‌های اقتصادی، بالاترین بهره‌های شخصی و گروهی را به خود اختصاص داده‌اند.

اقدامات نسنجیده، از جمله مصادره اموال و ممنوع‌الخروج یا ممنوع‌المعامله کردن تعداد زیادی از شهروندان این سرزمین، موجب شده است که رشد اقتصادی کشور در حال حاضر به حدود ۱/۵ درصد کاهش یابد و انتظار و برنامه‌ریزی مسوولان را در جهت دستیابی به رشد ۷ درصدی به یک آرزو تبدیل کند.

بررسی حجم و ارزش کالاهای وارداتی کشور نشانگر وابستگی شدید اقتصاد به واردات گندم، روغن نباتی، شکر و گوشت بوده، میزان آسیب‌پذیری ساختار اقتصادی وابسته و ناتوانی تولید را در کشور نمایان می‌سازد.

نهضت آزادی ایران برای مقابله با این بحران شدید اقتصادی و شرایط نامساعد اقتصاد که خطری جدی برای کیان و نظام کشور است، مواضع کلان خود را به شرح زیر بیان می‌کند:

۱۳-۱- نفت

اتکای بیش از حد معقول اقتصاد کشور به نفت، با توجه به محدودیت‌ها و پایان‌پذیر بودن این منبع ثروت خدادادی و نوسانات قیمت جهانی که تحت تاثیر عوامل غیرقابل کنترل بازارهای جهانی قرار دارد، به ویژه تجربه ناگوار افت قیمت آن در سال‌های گذشته، شکننده بودن اقتصاد تک محصولی را بیش از گذشته نمایان می‌سازد.

برداشت بی‌رویه از چاه‌های نفت و فقدان سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌های اکتشاف و استخراج موجب از بین رفتن سرمایه‌های ملی گردیده است.

تکیه شدید دولت‌های گذشته به درآمد نفت به عنوان عمده‌ترین محصول صادراتی کشور و انعقاد قراردادهای غیرشفاف و مغایر قانون اساسی با شرکت‌های نفتی خارجی خطایی است که دولتمردان امروز را در برابر پرسش جدی و غیرقابل پاسخگویی نسل‌های آینده قرار خواهد داد.

۱۳-۲ - کاهش ارزش پول ملی

تورم لجام گسیخته بعد از انقلاب و تشدید آن در سال‌های اخیر موجب افت ارزش پول ملی در مقایسه با سال ۱۳۵۸ شده است، به گونه‌ای که توان خرید مردم هر روز ضعیف‌تر و آثار تورم نمایان‌تر می‌شود. عملیات ارزی غیرشفاف بانک مرکزی، نبود سیاست‌گذاری صحیح و مشکل مدیریت و نگهداری ذخایر ناشی از مازاد درآمد ارزی موجب شده است که برنامه‌ریزی‌های دولتی برای دستیابی به هدف‌های اقتصاد کلان در سطح ملی هرگز تحقق نیابد و حاصل آن فربه‌تر شدن پیکره دولت و شرکت‌های دولتی و خارج شدن سرمایه‌های ملی و بخش خصوصی از گردونه اقتصاد تولیدی بوده است.

۱۳-۳ - اقتصاد دولتی

وضعیت صنایع دولتی، به ویژه کارخانه‌های تحت پوشش دولت و نهادها و بنیادهای اقتصادی، عمدتاً نشان دهنده افت شدید کیفی محصولات آنها و ترانزنامه‌ای زیانبار در چرخه اقتصادی کشور است.

عملکرد ناموفق دستگاه‌ها و مدیران اقتصادی دولتی که ثمره آن وضعیت نامطلوب اقتصادی حاضر است، ضرورت بازنگری در روند عملکردهای گذشته را گریزناپذیر می‌سازد.

نهضت آزادی ایران معتقد است: که اگر امکانات سرمایه‌گذاری صنعتی و کشاورزی با توجه به شرایط مساعد اقلیمی و تنوع آب و هوایی کشور، جوانی نیروی کار ارزان و در دسترس بودن مواد کانی و انرژی‌های لازم، با مدیریتی سالم و توانمند هماهنگ گردد و محیطی مردمی با مشارکت و حضور اندیشه‌گران و کارشناسان، بدون دغدغه‌های سیاسی - اجتماعی فراهم آید، می‌توان به همت مردم و با سرمایه همه ایرانیان داخل و خارج کشور تحولی شگرف در چرخه اقتصادی پدید آورد و بر بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی همچون اعتیاد به مواد مخدر، مفاسد اجتماعی و ناامیدی جوانان چیره شد و اقتصاد کشور را از ورطه سقوط نجات داد.

در این راستا، نکات زیر راهگشا خواهد بود:

اجرای برنامه توسعه سیاسی (مطابق اصول قانون اساسی) و تامین آزادی‌های اجتماعی و امنیت، به عنوان پیش زمینه تحقق عدالت اجتماعی و رونق اقتصادی

تشویق سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی، با تامین امکانات لازم برای بخش‌های تعاونی و خصوصی، در جهت افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی

زمینه‌سازی‌های مناسب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج کشور

تلاش در راستای ایجاد صنایع تبدیلی مواد نفتی و توسعه صنعت پتروشیمی به جای تکیه تام بر صدور نفت خام.

بازگرداندن صنایع دولتی و مدیریت‌ها به بخش خصوصی با رعایت منافع ملی

جلوگیری از رانت‌خواری و عدم توزیع درآمدهای نفتی کشور در میان واسطه‌های تجاری و قدرت‌های اقتصادی پنهان

فراهم‌ساختن شرایط اجتماعی و امکانات لازم برای رونق بخشیدن به صنعت جهانگردی و جذب گردشگران، با توجه به زمینه‌های مناسب تاریخی و فرهنگی کشور

استفاده از ابزارهای نوین اقتصادی، بهره‌گیری از اطلاعات علمی، به کار گرفتن تکنولوژی‌های پیشرفته و مراکز تحقیقاتی برای افزایش کیفی محصولات صنعتی و کشاورزی، با هماهنگی مراکز علمی و دانشگاهی کشور

تغییر الگوی مالیاتی کشور به سود موسسات تولیدی و دریافت مالیات‌های مناسب از بخش‌های تجاری و دلالی در راستای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی

اختصاص بخش عمده‌ای از مازاد درآمد ارزی کشور به توسعه تولیدات کشاورزی و صنایع تبدیلی و فعال کردن صنعت و کارخانه‌های تولیدی کشور از طریق تعاونی‌های تولیدی و بخش‌های خصوصی و مردمی و متخصصین و کارشناسان با سابقه

ساماندهی و ارتقای کیفیت سرویس حمل و نقل کشور (درون شهری و بیرون شهری)، تامین ایمنی تردد، رعایت ضوابط زیست محیطی و ارتقای جایگاه کشور در حمل و نقل منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کردن تسهیلات و شرایط لازم برای رونق بخشیدن به صادرات کشور، از طریق افزایش تولید داخلی، ارتباط با جهان خارج و رفع تنش‌های سیاسی با کشورها حذف سازمان‌ها و بنیادهای اقتصادی دولتی که با عنوان‌های مختلف تشکیل شده و در عمل موجب اتلاف سرمایه ملی گردیده‌اند.

تقویت و حمایت از تحقیقات دانشگاهی در جهت خودکفایی علمی و صنعتی کشور اصلاح قانون کار که به ظاهر از حقوق و منافع کارگران دفاع می‌کند ولی در عمل، به دلیل نگرش تک بعدی و غفلت از تولید موجب کاهش استخدام ثابت کارگران شده و امنیت شغلی را تضعیف کرده است.

ادغام و تجدید ساختار بسیاری از دستگاه‌های اجرایی موازی در کشور در جهت کاهش هزینه‌های جاری دولت و افزایش کارایی دستگاه‌ها

۱۴ - سنت، مدرنیته، روشنفکران و محافظه‌کاران

جامعه ایرانی دوران گذار تاریخی از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کند. در هر دوره گذر، هنجارهای شکل گرفته فردی و اجتماعی دستخوش تغییرات اساسی می‌شود و تعارض‌ها و تناقض‌های جدی میان رفتارهای سنتی کهن با نمادهای دنیای نوین، موجبات تشنجات اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌سازد. تا زمانی که مفاهیم و مقولات مدرنیته در فرهنگ ملی ایرانی و اسلامی ما ادغام، جذب و هضم نشده و به اصطلاح ایرانیزه و اسلامیزه نگردند، تعارضات هم‌چنان ادامه خواهد یافت و حاصل آن آسیب‌های اجتماعی روزافزون و قربانیان فراوان خواهد بود.

در این تنازع تاریخی، دو گروه اصلی نقش دارند. اول روشنفکران، به ویژه روشنفکران دینی، که هم دغدغه و نگرانی و هم رسالت حل این پیچیدگی‌ها را از طریق بومی (ملی) کردن مقولات و مفاهیم مدرنیته دارند. دوم محافظه‌کاران که جریان فکری-سیاسی طبیعی در هر جامعه در حال گذار می‌باشند و در صورت خردگرا بودن می‌توانند نقش عمده و اساسی در متعادل ساختن فرایند انتقال جامعه ایفا کنند. اما متاسفانه جریان راست افراطی و انحصارطلب و غارتگران اموال عمومی و خشونت‌گرایان خود را پاسداران سنن اجتماعی-فرهنگی معرفی کرده، به جای محافظه‌کاران خردگرا عمل می‌کنند. چنین رفتاری در دهه‌های اخیر عملاً تحولات طبیعی و سالم در جامعه انتقالی را از مسیر اصلی خارج ساخته، موجب واکنش‌های نامتعادل و ناسالم گردیده است. محافظه‌کاران خردگرا می‌باید در برابر جریان‌های افراطی، خشونت‌گرا و فرصت‌طلب موضع‌گیری کرده، صف خود را از آنان جدا سازند تا با شفاف شدن مناسبات، بتوانند نقش موثر و مثبت خود را ایفا نمایند.

۱۵- گفتگوی تمدن‌ها

نهضت آزادی ایران از برنامه گفتگوی تمدن‌ها، که توسط رئیس محترم جمهوری پیشنهاد شده است استقبال و حمایت می‌کند.

در مناسبات کنونی بین‌المللی، به خصوص در شرایط ویژه پس از جنگ سرد، مطرح کردن اندیشه گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، در برابر نظریه رویارویی تمدن‌ها، آن هم از جانب یک کشور مسلمان و جهان سومی، با استقبال فراوانی روبرو گردیده است. این استقبال نشانه آن است که اگر مسلمان‌ها حرفی برای گفتن داشته باشند، شرایط جهانی برای مطرح شدن نظرات آنان فراهم و آماده است. اما موفقیت طرح گفتگوی تمدن‌ها در سطح جهانی هنگامی میسر می‌شود که پیشنهاد دهنده آن بتواند نمونه موفقی از گفتگو میان صاحبان اندیشه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون در جامعه خود به جهان ارائه کند. آیا اگر نظامی نتواند در درون خود اندیشه‌ای جز اندیشه‌های رسمی حاکم را بپذیرد و با دگراندیشان از طریق تفتیش عقاید و زندان و شکنجه برخورد کند، می‌تواند جایگاه مناسبی در این مقوله داشته و نقش سازنده و موثری در گفتگوی تمدن‌ها در سطح جهانی ایفا کند؟

نهضت آزادی ایران از آقای خاتمی، به عنوان طراح اصلی نظریه گفتگوی تمدن‌ها، و سایر مقامات مسوول می‌خواهد که در گشودن فضای بسته کنونی و پایان دادن به وضعیت اسفناک و مخاطره‌آمیز موجود در رابطه با آزادی ابراز اندیشه هر چه بیشتر تلاش کنند.

۱۶- آزادی بیان و قلم

الف - مطبوعات: پس از پیروزی انقلاب، به جز در دوره کوتاه ۱ تا ۲ ساله اول، اعمال فشار و سانسور بر مطبوعات سیاستی عام و مستمر بوده است. خوشبختانه جنبش دوم خرداد ۷۶، از درون خود، پیدایش طیفی از مطبوعات آزاداندیش و مستقل را موجب گردید. این مطبوعات در طول بیش از سه سال گذشته نقش عمده‌ای در تعمیق و گسترش تفکر جامعه‌مدنی و مردم‌سالاری ایفا کرده‌اند. برای نخستین بار پس از سالیان دراز، مردم از طریق نشریات توانستند با دیدگاه‌های گوناگون آشنا شوند و با آگاهی موضع‌گیری کنند. این گروه از مطبوعات نقش موثر و مهمی در توسعه جنبش اصلاح‌طلبی ایران و پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراهای شهر و روستا و انتخابات مجلس ششم داشته‌اند. در جامعه‌ای که هنوز موانع جدی و اساسی بر سر راه فعالیت بهینه احزاب سیاسی وجود دارد، این گونه نشریات بار سنگینی را در نهادینه کردن آزادی و مردم‌سالاری در جامعه بر دوش می‌کشند و به دلیل همین نقش مهم و سرنوشت‌ساز است که این دسته از رسانه‌ها مورد بدترین نوع سرکوب قرار گرفته‌اند.

نهضت آزادی ایران توقیف نشریات مستقل و نیز بازداشت غیرقانونی سردبیران، مدیران مسئول و نویسندگان شجاع را به شدت محکوم کرده، خواستار آزادی هر چه سریع‌تر آنها می‌باشد؛ همچنین، ترمیم و اصلاح آنچه را که مجلس پنجم در واپسین روزهای عمر خود به عنوان اصلاح قانون مطبوعات تصویب کرد، از مجلس ششم انتظار دارد.

ب - سازمان صدا و سیما: با گسترش شبکه‌های ارتباطی در جهان امروز، در جهت تبادل اطلاعات و پر کردن اوقات فراغت مردم از طریق برنامه‌های فرهنگی، هنری، تفریحی، ورزشی و آموزشی، نقش و جایگاه مهم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آشکارتر شده است.

نهضت آزادی ایران سازمان صدا و سیما را به عنوان یکی از پر هزینه‌ترین نهادهای حکومتی و مصرف‌کننده بخش قابل توجهی از بودجه کشور و مرکزی برای اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی، هنری،

اجتماعی و سیاسی می‌داند که می‌تواند نقش موثری در ایجاد فرهنگ راستین اسلام، ادب و هنر کهن ایرانی، تبادل افکار و اطلاعات، تضارب آرا، ایجاد فرهنگ کار و تلاش و تولید، تغییر الگوی مصرف و ایجاد تحول در رفتارها و هنجارهای اجتماعی در یک جامعه مدنی بر عهده داشته باشد.

فعالیت‌های صدا و سیما در دو بعد زیر قابل بررسی است.

در بعد کمی، توسعه شبکه‌های تلویزیونی، گشایش فرستنده‌های جدید رادیویی و تقویت ایستگاه‌های موجود، ایجاد مراکز تقویت‌کننده برای دریافت برنامه‌ها و توسعه و افزایش زمان پخش هر یک از برنامه‌های صدا و سیما، نشانگر توسعه مناسب این مجموعه عمومی و قابل تقدیر است.

و اما در بعد کیفی، در چند سال اول پس از پیروزی انقلاب، مدیریت سازمان صدا و سیما در باره حرام یا مجاز بودن ساز و آواز و غنا، پخش تصویر یا صدای زنان و فیلم‌های تفریحی و نمایش‌های تلویزیونی در مناقشه بود تا به تدریج به سوی افراط گام برداشت. ساخت و نمایش سریال‌های بعضاً بی‌محتوا، پوچ و تکراری، تهیه برنامه‌های تفریحی هزل به عنوان طنز و به کارگیری کلمات موهن ضربه‌های کشنده‌ای بر پیکره فرهنگ غنی ایرانی، ادب فارسی، معارف اسلامی و شئون اخلاقی خانواده‌ها و جامعه وارد کرده است. تبلیغ کیش شخصیت از آفت‌های دیگری است که گریبانگیر این رسانه‌ی عمومی بوده و هست.

فیلم‌های کهنه و خشن آمریکایی و اروپایی که از سیما پخش می‌شود اوقات فراغت جوانان را به خود مشغول داشته است. افت این رسانه ملی از طریق ارائه مبتذلات فرهنگی و استفاده ابزاری از آنها در جهت بازی‌های سیاسی جناحی، پخش دیدگاه‌های جهت‌دار و القا شده در نظرسنجی‌ها، عرضه کردن اخبار گزینشی و هتک حرمت دگراندیشان با تدوین برنامه‌هایی چون «هویت»، «چراغ» و «کنفرانس برلین» باعث شده است که وجهت و اعتبار این رسانه ملی در میان قشرهای مختلف مردم به شدت سقوط کند. به نظر نهضت آزادی، این رسانه عمومی که با پول مردم وظیفه اطلاع‌رسانی صحیح را بر عهده دارد، نباید به سخنگو و خدمتگزار یک جریان اقلیت تبدیل شود.

پخش برنامه‌های فرهنگی، مانند میزگردهای سیاسی-اقتصادی و اجتماعی، به جز در موارد معدود و استثنایی، این رسانه را به ابزار گروهی خاص مبدل ساخته و سازمان صدا و سیما امکانات بسیار محدودی برای طرح و تبیین نظرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دگراندیشان فراهم کرده است.

سانسور و پخش گزینشی اخبار، چهره‌سازی از فعالان یک جناح سیاسی که موقعیت خود را در جامعه به شدت از دست داده است، موجب شده است که قشرهای وسیعی از مردم، به خصوص بعد از تعطیل روزنامه‌های مستقل و آزاداندیش، به استقبال رادیوهای بیگانه و ماهواره‌های خصوصی اروپایی و آسیایی رفته، اخبار وقایع کشور را در آنجا جستجو کنند.

نهضت آزادی ایران ایجاد تحول اساسی در کیفیت برنامه‌های صدا و سیما و تغییر و دگرگونی بنیادین در دیدگاه‌ها و نگرش‌های مدیریت این نهاد همگانی را تنها راه جلب اعتماد مردم به این رسانه و شرط اصلی ایفای نقش مطلوب توسط آن می‌داند. تغییر شیوه انتخاب دستگاه مدیریت این نهاد و قرار دادن آن زیر نظر دولت می‌تواند از وابستگی و گرایش آن به جناح‌های خاص جلوگیری کند.

در دوران برکناری و انزوای تاریخی روحانیت از قدرت سیاسی، حوزه‌های علمیه تنها در پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و فرعی شرعی شکل گرفته بودند. لیکن در شرایط حاضر، تجربه دو دهه ورود به مسایل اجتماعی و اداره ناموفق کشور، بازسازی اندیشه حاکم بر حوزه‌های علمیه را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. به نظر ما، مهمترین کارهایی که باید برای ایجاد تحول در حوزه‌ها انجام یابد - و بعضا نیز مورد توجه و اجرا قرار گرفته است- به شرح زیر می‌باشد:

۱- مستقل ساختن حوزه از قدرت سیاسی و محفوظ نگه‌داشتن عرصه دین از نفوذ و سوء استفاده صاحبان قدرت. هویت تاریخی ملت ما را دو رکن جدایی‌ناپذیر ملیت و دیانت تشکیل می‌دهند. اما استفاده از دین برای دستیابی به هدف‌های شخصی و صنفی و کم بها دادن به جمهور مردم ضربه شدیدی به باورهای دینی، به خصوص در نسل جوان، وارد کرده، قابلیت رکن دیانت را برای ایفای نقشی تحول آفرین به شدت ضعیف نموده است.

۲- تغییر اساسی و بنیادین در نظام آموزشی حوزه از طریق محور قرار دادن قرآن در مباحث و موضوعات تحقیقی و تجدیدنظر در آراء و عقایدی که براساس اخبار آحاد و ضعاف شکل گرفته است، اعلام این تغییرات و تحولات به مردم و اصلاح یا حذف آموزش‌هایی که دردی از نیازهای هدایتی جامعه امروز را درمان نمی‌کند.

۳- بازنگری در ساختار دستگاه فرسوده و فردی فقاقت کنونی و نوسازی آن متناسب با مقتضیات جهان امروز و جوامع پیشرفته بشری به منظور پاسخ‌گویی به مبرم‌ترین نیازهای معنوی نسل نو

۴- آشتی دادن دین سنتی با علم و عقل و آموزش چکیده علوم تجربی متعارف در دانشگاه‌ها که برای شناخت حقایق جهان هستی و هدایت انسان به عنوان «آیات تکوینی» مفید و موثر می‌باشند،

۵- آشنا کردن طلاب با مسایل جهان مدرن، مکاتب جدید فلسفی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و کلام جدید، آموزش حداقل یک زبان خارجی، یاد دادن کامل زبان عربی و استفاده از سیستم‌های جدید ارتباطی (نظیر اینترنت)

۶- ایجاد ارتباط با مراکز مترقی اسلام‌شناسی، دین‌شناسی و علوم انسانی در دانشگاه‌های بزرگ جهان و تبادل فکر و اندیشه با آنها،

۷- آزاد گذاشتن مراجع مستقل و متفکر حوزه در بیان آرا و نظریات اجتهادی خود و حذف هر نوع فشار و محدودیت. کنگره یازدهم بر رفع حصر و محدودیت فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری و برخی دیگر از مراجع عظام تاکید می‌کند.

۸- دولتی شدن حوزه، به خصوص وابستگی مالی آن به دستگاه قدرت، استقلال این نهاد تاریخی را که می‌تواند پناهگاه مظلومان و محل امید و اعتماد ملت باشد از میان می‌برد.

ایرادی که همواره اندیشه‌گران بزرگ حوزه، همچون مرحوم مطهری(ره)، از نظام آموزش دینی در کشورهای اهل تسنن می‌گرفتند، اینک دامنگیر حوزه‌های شیعه شده است. علاوه بر استقلال سیاسی و فرهنگی، استقلال اقتصادی و مالی حوزه نیز باید محفوظ بماند. واگذاری کارخانه‌ها و مراکز تولیدی به برخی از شخصیت‌ها و موسسات تبلیغی دینی، ایجاد مراکز تجاری و قطع ارتباطات طبیعی و تاریخی روحانیان با جامعه اثرات تخریبی ژرفی بر باورهای دینی مردم وارد می‌کند.

۹- ضروری است که روحانیت، ضمن پاسداری از فرهنگ غنی شیعه، در جهت تقرب مذاهب اسلامی و ایجاد وحدت میان امت و عالمان دینی در سراسر جهان اسلام تلاش کند. در این راستا، پرهیز از دامن زدن به اختلافات سنی و شیعه و رفع محدودیت از علما و حوزه‌های علمیه اهل تسنن در داخل کشور، برای نظامی که داعیه گفتگوی تمدن‌ها را دارد، واجب است. در بخش آموزش نیز لازم است که حوزه‌ها از یکسویه‌نگری خارج شده، علاوه بر بالنده کردن فرهنگ و کلام شیعه، از معارف اکثریت مسلمانان سنی مذهب نیز بهره‌مند گردند.

۱۰- ایجاد مراکز پیشرفته تحقیقاتی، استفاده از شیوه‌های پویای فقهی برای پاسخگویی به نیازهای جوامع امروزی، سازمان دادن به نظام وعظ و خطابه و ممنوع کردن افراد غیرمطلع و واخورده‌های حوزه از دخالت در این امور.

۱۸- تحلیل وضعیت اجتماعی و مشکلات جوانان، نهادهای آموزشی و دانشگاه‌ها

۱۸-۱- ساختار کنونی جامعه ایران

در چهار دهه اخیر، به ویژه در دو دهه پس از انقلاب اسلامی، ساختار جامعه ایران دستخوش تغییر و تحول کمی و کیفی بنیادینی شده که بی‌شک بر شرایط سیاسی و فرهنگی جامعه تاثیر بسیار گذاشته است. تحول نخست افزایش سریع جمعیت کشور است که طی دو دهه اخیر از چهل میلیون نفر (در سال ۱۳۵۷) به بیش از شصت و چهار میلیون نفر (در سال ۱۳۷۷) رسیده و از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. این افزایش سریع جمعیت، بدون آن‌که امکانات و لوازم آن همزمان فراهم شود، اثرهای همه جانبه‌ای بر کیفیت زندگی، اشتغال، سطح درآمد و روابط اجتماعی گذاشته و ساختار کنونی جامعه را دستخوش دگرگونی‌های کیفی کرده است.

با توجه به جوانی جمعیت و قاعده گسترده هرم جمعیتی، توزیع سنی و جنسی و عوامل فرهنگی و زیست محیطی موثر بر آن، میانگین طول عمر از زیر ۵۰ سال به بیش از ۶۰ سال افزایش یافته و در نتیجه، «امید به زندگی» بیشتر شده است. به دلیل جوانی جمعیت و حضور طولانی جوانان در مدارس، بخش مصرف‌کننده نسبت به بخش تولید کننده روز به روز افزایش بیشتری می‌یابد و اگر همزمان، بهره‌وری و سطح تولید ملی افزایش لازم را نداشته باشد، بار تکفل افزایش می‌یابد و تعداد کمی از کل جمعیت (در حدود یک پنجم) باید بار تکفل چهار پنجم دیگر را بر دوش کشند. چنین ساختاری، اگر به تکنولوژی لازم مجهز نشود، پاسخگوی نیازهای حیاتی جمعیت نخواهد بود. در ساختار کنونی جمعیت، مساله جوانان، زنان و پیران صورت حادثتری پیدا کرده است و نیاز به توجه ویژه دارد.

مهاجرت نیز موجب افزایش سرعت شهرنشینی، گسترش شهرهای بزرگ و ایجاد شهرهای جدید شده، قشر مصرف کننده شهرنشین را بر کشور تحمیل کرده است. نهضت آزادی ایران با توجه به این تحولات و تغییرات کمی و تاثیر آن بر جامعه، معتقد است که جامعه رو به رشد، جوان و پر تحرک ایران باید هر چه سریعتر به سوی خودکفایی و خود مدیریتی از طریق توزیع صحیح قدرت حرکت کند تا بستر مناسبی برای مشارکت عمومی و رشد استعدادها فراهم آید. اداره جامعه در ظرفیت فرد یا گروهی خاص نیست، بنابراین، مردم باید مسایل را بشناسند و در حل مشکلات جامعه سهیم باشند. این امر نیاز به برنامه‌ریزی

دقیق و کارشناسی همه جانبه و تدوین برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی دارد که بتواند نارسایی‌های دو برنامه پنج‌ساله گذشته را جبران کند.

۲-۱۸- مسایل و مشکلات مزمن نهادهای آموزشی کشور

آموزش و پرورش در سطوح ابتدایی و متوسطه و آموزش عالی اموری هستند که جوانان ما، که نیروی انسانی بالقوه و بالفعل جامعه را تشکیل می‌دهند، با آنها مواجه‌اند. ساختار کنونی جامعه ما ساختار جوانی است که استقرار و استحکام آن در آینده بستگی تام و تمام به شیوه‌های آموزش و پرورش و نحوه شکل‌گیری فکر و اندیشه نسل جوان دارد. یک نوجوان تنها از طریق آموزش و پرورش صحیح می‌تواند عضو مفید و موثر جامعه گردد و آینده خود را نیز تامین کند. در غیر این صورت، نیروها و استعداد های نسل جوان به هدر خواهد رفت. هم اکنون به خاطر افزایش سریع جمعیت زیر ۲۵ سال، تعداد دانش‌آموزان کشور به بیش از ۱۸ میلیون رسیده و تا ۱۵ سال آینده بیش از سی میلیون دانش‌آموز و دانشجو خواهیم داشت. با توجه به تعداد معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (در حال حاضر ۱/۸ میلیون) و ده‌ها میلیون کتاب که باید همه ساله چاپ شود و با در نظر گرفتن نیاز به ساختمان‌های جدید و ابزارها و وسایل آموزشی، با هزینه‌ای در حدود یک سوم بودجه کل دولت، مسوولان فرصت فکر کردن به کیفیت و محتوای آموزش و پرورش واقعی را پیدا نمی‌کنند و بیم آن می‌رود که استعدادهای جوانان به درستی شناخته نشده، در مسیر صحیح و کارآمدی هدایت نگردد و این نیروی عظیم و بالنده انسانی عملاً به هدر رود. فشردگی کلاس‌ها، چند نوبتی بودن مدارس در برخی از مناطق، فشار کار بر معلمان، نامناسب بودن کیفیت و کمیت کتاب‌های درسی، نامساعد بودن محیط‌های آموزشی و ...، کیفیت آموزش را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است. کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد و نارسایی آموزشی، مزید بر علت شده است و تغییرات شتاب‌زده‌ای که هر از چند گاه در نظام آموزشی داده می‌شود، نظام آموزشی ما را سخت آسیب‌پذیر ساخته، موجب در هم‌ریختگی و عدم کارایی مناسب آن شده است.

از سوی دیگر، معلمان که قشر زحمتکش و دلسوز جامعه بوده، مسئولیت مهمی بر عهده دارند، از لحاظ تامین حداقل نیازهای زندگی در مضیقه شدید هستند و از جهت منزلت و پایگاه شغلی نیز موقعیت مناسبی ندارند. در چنین شرایطی، معلم با کار زیاد، تدریس اضافی و احیاناً پرداختن به کارهای دوم و سوم، شور و نشاط و علاقه‌ای را که باید در کار خود داشته باشد، به تدریج از دست می‌دهد و نیروی خود را در محیط نامساعد کار دوم و ... به تحلیل می‌برد. زندگی معلمان باید به گونه‌ای تامین شود تا بتوانند با فراغ بال و خاطر آسوده این شغل شریف خود را، که شغل پیامبران است، ادامه دهند. البته با برنامه‌ریزی‌های اصولی می‌توان بیشترین بهره ممکن را از فن‌آوری (تکنولوژی) برد و نیازهای کمی و کیفی آموزش را به حداقل رساند.

جامعه دانش‌آموزی ما نیز باید در محیطی مناسب، با شور و نشاط و علاقه و مشارکت، ظرفیت و استعداد خود را بروز داده، کشور را به سوی خودکفایی پیش ببرد. تحمیل افکار، تفتیش عقاید و فشارهای روانی حاکم بر محیط‌های آموزشی باید ممنوع و منسوخ شود. شیوه‌های مبتذل تبلیغات مستمر و تکراری که منجر به شخصیت‌زدایی، طاغوت‌پروری و مسئولیت ناپذیری می‌شود، باید کنار گذاشته شود. در این گونه محیط‌ها، آفت‌هایی مانند انحرافات اجتماعی و اعتیاد و رفتارهای خلاف اخلاق پدید می‌آید و بدبینی،

بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی رشد می‌کند. برعکس، محیط‌های دموکراتیک و آزاد موجب رشد شخصیت، اتکای به نفس، خودگردانی و اجتماع‌گرایی می‌شود و رشد استعدادها و زاینده‌گی و بالندگی را به بار می‌آورد. هدف نهایی آموزش و پرورش باید ساختن انسان‌های متعالی از طریق آگاهی‌بخشی، دانش‌اندوزی، ایمان، تلاش و همکاری باشد تا شهروندانی آگاه، آزاده و مسوولیت‌پذیر را بپروراند. در شرایط حاضر، محیط‌های آموزشی ما با چنین هدف‌هایی بسیار فاصله دارند.

دانشگاه‌ها در سطح بالاتر، با مشکلات و نارسایی‌های مشابهی روبرو هستند. فشار جمعیت جوان که به آموزش‌های فنی-حرفه‌ای مناسب مجهز نشده است، فراهم نبودن فرصت‌های اشتغال، مدرک‌گرایی و علاقه زیاد خانواده‌ها به ادامه تحصیل دانش‌آموزان تا سطح دانشگاه، موجب سيطرة یافتن کمیت بر کیفیت در آموزش عالی شده است. فشارهای مالی و حضور گروه‌های فشار در دانشگاه‌ها، محیط‌های دانشگاهی را سخت‌آشفته و نابسامان کرده است، به طوری که استاد و دانشجو نمی‌توانند در چنین محیطی وظایف و تکالیف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را به درستی انجام دهند. به طور کلی، دانشجو و دانشگاه در جمهوری اسلامی ایران از پایگاه و منزلت شایسته خود محروم مانده است. هجوم و حمله گروه‌های نشان‌دار رسمی و غیررسمی و حتی نیروهای انتظامی به حریم امن دانشگاه، ضرب و شتم دانشجویان در خوابگاه آنان، حبس و اخراج و ایجاد محدودیت‌های مختلف موجبات خشم و نفرت دانشجویان را فراهم کرده است. لذا استقلال دانشگاه‌ها باید تامین شده، از دخالت‌های بیجا و تهاجمات علیه دانشگاهیان جلوگیری گردد. همچنین، نهادهایی که به نام دفتر نمایندگی در نظام مدیریت دانشگاه‌ها دخالت می‌کنند باید از دانشگاه‌ها برچیده شوند. در شرایط فعلی، مدیران دانشگاه‌ها مستقیماً از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزیده می‌شوند، در حالی که اگر مدیریت دانشگاه‌ها برگزیده استادان و رؤسای دانشکده‌ها باشند منطقی‌تر خواهد بود.

نهضت آزادی ایران مصرانه از دولت اصلاح‌طلب و ارکان سیاسی و فرهنگی نظام، همچون مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارتخانه‌های ذیربط می‌خواهد که حرمت و منزلت واقعی دانشگاهیان را به آنان بازگرداند و شان و احترام دانشجو و استاد و محیط دانشگاه را بیش از پیش حفظ و حراست کنند تا دانشگاهیان نیز بتوانند آزادانه و با اطمینان در فعالیت‌های علمی-فرهنگی و سیاسی کشور مشارکت فعالانه پیدا کنند. از مقامات مسوول کشور، به خصوص رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه، نیز می‌خواهیم که با اقدامات موثر خود شرایط آزادی فوری کلیه دانشجویان بی‌گناه زندانی را فراهم سازند.

دانشجویان نیز باید حق داشته باشند که سازمان صنفی سراسری داشته باشند و پارلمان دانشجویی را با آرای مستقیم و مخفی همه دانشجویان، در تمامی واحدهای آموزش عالی، انتخاب کنند تا به دور از جنجال‌های سیاسی از حقوق صنفی خود دفاع نمایند.

۳-۱۸- مسایل و مشکلات دانشگاه‌ها

با تهاجم وحشیانه سال گذشته به کوی دانشگاه در تهران و دانشگاه تبریز، تعطیل روزنامه‌ها و نشریات اصلاح‌طلب، به محاکمه کشیدن و زندانی ساختن روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب، جلوگیری و مانع‌تراشی در حرکت عادی اصلاحات قانونی توسط مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری، ملت ما

بار دیگر شاهد فرار مغزها و اوج‌گیری موج مهاجرت نویسندگان، کارشناسان و نخبگان جامعه گردیده است، تا جایی که حتی مسئولان رسمی را نیز نگران کرده است و جلسات متعددی برای بحث درباره این موضوع تشکیل داده‌اند. فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از یک سو با بی‌کاری و نداشتن شغل مناسب و از سوی دیگر با انواع ناامنی‌ها که آنها را از فعالیت و مشارکت در جهت اصلاحات اساسی باز می‌دارد روبرو هستند.

۱۸-۴- جوانان

نهضت آزادی ایران با توجه به جایگاه نیروی جوان کشور و نیاز آن به محیطی زنده و پویا، از جبهه اصلاح‌طلب، به خصوص نمایندگان مجلس ششم و شخص رئیس جمهوری می‌خواهد که با ایجاد امنیت اجتماعی و سیاسی زمینه مناسبی را برای مشارکت جوانان و کارشناسان در فعالیت‌های سازندگی و تولیدی فراهم آورده، از نومییدی و سرخوردگی آنان بکاهد تا از فرار نیروی انسانی نخبه به سرزمین‌های دیگر کاسته شود. همان طور که قبلاً اشاره شد، برنامه‌های خسته‌کننده و تبلیغات مسموم‌کننده و یکسویه صدا و سیما در فضای فرهنگی کشور، نقش ویرانگر و ناسالمی را ایفا می‌کند و محیط را بیش از پیش برای جوانان غیرقابل تحمل می‌سازد.

برهم خوردن مدیریت فرهنگسراها و مشکلات نشر کتاب، با وجود معافیت مالیاتی اخیر، نیز محیط را بیش از پیش بسته و امکانات را برای رشد و ارتقای فرهنگی محدودتر کرده است.

از سوی دیگر، تحمیل عقاید و فقدان آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، همراه با تنش‌های گوناگون باعث گردیده است که جوانان دچار بحران هویت شده و حتی ندانند که به کدام قرائت از فرهنگ، ملیت، دین، سنت و اصلاحات باید دل بست.

به این ترتیب، شرایط فرهنگی و سیاسی موجود در کشور چندان جاذبه‌ای برای جوانان نداشته، آنها را به سمت بی‌تفاوتی و آسیب‌های اجتماعی سوق می‌دهد. افزایش آسیب‌های اجتماعی، به ویژه در بین جوانان، و تراکم زندانیان بعضاً مربوط به این محیط نامساعد می‌باشد.

۵- ۱۸- جایگاه زنان

زنان نیمی از نیروی انسانی جامعه را تشکیل می‌دهند و در میان آنان متخصصان و تحصیل کرده‌هایی در سطوح عالی وجود دارند که می‌توانند در پیشرفت و تحول جامعه، از جمله بهبود وضعیت سیاسی و فرهنگی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند. اما در عین حال، آنان نیز به دلیل محرومیت مضاعف و تنگی عرصه عمل، کمتر رغبتی به حضور در صحنه جامعه و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی از خود نشان می‌دهند. بنابراین، این بخش مهم از جامعه، با وجود تحمل رنج محرومیت‌ها، مشکلات معیشتی، تنگناهای خانوادگی و نارسایی‌های فرهنگی و اجتماعی، به کنار نهاده می‌شود و پایگاه و نقش واقعی خود را در جامعه پیدا نمی‌کند.

این فشارها و محدودیت‌ها موجب تشدید تضادها و آسیب‌های اجتماعی (از جمله اعتیاد) و در نتیجه، افزایش طلاق و برهم خوردن کانون‌های خانوادگی می‌شود.

نهضت آزادی ایران سهم و نقش زنان را در جنبش اصلاح‌طلبی کنونی و در فرایند توسعه سیاسی بسیار کلیدی، حساس و موثر ارزیابی می‌کند و امیدوارانه می‌کوشد که یک‌سو نگرانی و برداشت‌های پدرسالارانه در روابط مرد و زن و برداشت‌های غلط از حضور زن در جامعه کنار گذاشته شود تا زنان

ایرانی نیز بتوانند با مشارکت هر چه بیشتر در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در کنار مردان جامعه، استعداد‌های نهفته خود را به ظهور رسانند و راه اصلاح جامعه را هموار سازند.

اصلاح قوانین فقهی مربوط به حقوق زنان، با نگرشی عمیق و همه جانبه و با اتکا به معیارهای اساسی قرآن، (که هیچ‌گونه تفاوتی را از نظر ارزشی میان زن و مرد به رسمیت نمی‌شناسد)، و نیز بذل توجه به وضعیت عاطفی و روانی دختران جوان - که طبق آمار موجود درصد بالایی از آنها دچار افسردگی‌های قابل توجه هستند- مورد تاکید نهضت آزادی ایران می‌باشد.

۱۸۶- سینما

هنر در تمام ابعاد و اشکالش با روح متعالی زیباپرستی انسان سر و کار دارد و نمی‌تواند در درون نظامی محدود کننده و وجود مسایل و مشکلات مادی و معنوی گوناگونی که با آنها روبرو است، رشد کند. نهضت آزادی ایران از هنرمندان و دست‌اندرکاران سینما که با وجود شرایط سخت کنونی موفق شده‌اند هنر سینمای ایران را تا حد زیادی ارتقاء داده، حیثیت جهانی برای ایران کسب کنند، تجلیل می‌کند. سینماگران ایران نشان دادند که اگر به جای تولید فیلم‌های دولتی و نمایش‌های مبتذل تلویزیونی، فضا و امکانات لازم برای هنرمندان واقعی فراهم شود، سینمای ایران می‌تواند از یک سو مردم و به ویژه جوانان را در فضای فرهنگی مطلوبی قرار دهد و از سوی دیگر، نقش کلیدی خود را به عنوان انتقال دهنده فرهنگ غنی و لطیف ایرانی به سراسر جهان ایفا کند.

۱۸۷- ورزش

یکی از زمینه‌هایی که نیاز به توجه و مراقبت زیاد دارد، همگانی کردن ورزش برای تامین سلامت مردم، جلوگیری از آلودگی‌هایی مانند اعتیاد و تشویق جوانان به تمرین و تربیت بدنی است. هر چند که موفقیت‌های ورزشکاران در صحنه‌های جهانی مورد تقدیر و مایه افتخار و مباهات ملت است و به وحدت ملی و احساس هویت جمعی کمک می‌کند، بت‌سازی برای جوانان و پرکردن ذهن آنان با اخبار و اطلاعات کم‌ارزش از مسایل حاشیه‌ای ورزش، قهرمان‌پروری و تماشای کردن مردم (به جای همگانی کردن ورزش) آفت‌هایی است که باید به طور جدی مورد درمان و ریشه‌کنی قرار گیرد.

۱۹- کنگره یازدهم با ارج نهادن به تلاش‌های ارزنده بنیانگذاران نهضت آزادی ایران و سهم موثری که شادروان مهندس مهدی بازرگان در حرکت روشنفکری دینی و در جنبش برای آزادی و استقلال ایران داشته است، ضمن طلب رحمت و آمرزش و علو درجات برای آن بزرگوار، این نشست را «کنگره زنده یاد مهندس مهدی بازرگان» می‌نامد.